

ثمره دوره‌های مسجدی دختران محله پورسینا درخشش روی صحنه تئاتر بود

«دختران طوبی»، رویش یک رؤیا

سحر نیکو عقیده ادر فضای مسجد دور هم حلقه زده‌اند و گرم صحبت هستند. با هیجان از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری‌شان می‌گویند. اما بازیگری را هیجان‌انگیزترین تجربه مشترکشان می‌دانند. برایشان هیچ تجربه‌ای به اندازه ایستادن روی صحنه، نفس‌گیر و دوست‌داشتنی نیست.

دختران گروه «طوبی» در مسجد چهارده معصوم (ع) محله پورسینا که از سال‌های کودکی یکدیگر را می‌شناسند، حالا دوسالی می‌شود که با همراهی مربی‌شان، سارا جوان، پایه‌دنیای تئاتر گذاشته‌اند: دوسالی که برایشان شبیه هیچ‌کدام از سال‌های قبل نبوده است. روزی حتی تصورش را هم نمی‌کردند که جرئت و اعتماد به نفس بازی روی صحنه را پیدا کنند. اما امروز نه تنها روی صحنه می‌ایستند، بلکه در جشنواره‌های مختلف مقام می‌آورند و از تجربه‌ای حرف می‌زنند که مسیر زندگی‌شان را آرام آرام تغییر داده است.



از دورهمی ساده تا «دختران طوبی»

پیش از آنکه به تجربه تئاترشان برسیم، کنج‌کاو می‌کنیم که این گروه را بشناسیم؛ اینکه اصلاً چطور «دختران طوبی» شکل گرفت و چه شد که این همه سال کنار هم ماندند. ماجرا برمی‌گردد به سال ۱۳۹۷؛ زمانی که اعضای پایگاه بسیج بانوان حضرت زینب (س) در مسجد چهارده معصوم (ع) تصمیم گرفتند دختران محله را دور هم جمع کنند. یک جمع دخترانه صمیمی تشکیل بدهند و برای رشدشان برنامه داشته باشند. آن‌ها به مدرسه‌های دخترانه محله پورسینا مثل مدرسه استقلال و شکوفه‌های انقلاب فراخوان دادند که قرار است در پایگاه بسیج مسجد، کلاس‌های فرهنگی، دورهمی‌های دخترانه و برنامه‌های متنوع برگزار شود.

دخترانی که حالا امروز کنار هم نشسته‌اند، اغلب از همان سال‌ها وارد این جمع شده‌اند و جزوقدیمی‌ترها هستند؛ هرچند در این مسیر، عده‌ای گروه را ترک کردند و چند نفر هم بعدها به آن اضافه شده‌اند. خیلی از بچه‌ها ابتدا برای شرکت در کلاس‌های تابستانه مثل رزین، گل‌دوزی، خیاطی یا کلاس ورزشی پا به این پایگاه گذاشتند. اما کم‌کم دوستی‌ها شکل گرفت، رابطه‌ها عمیق‌تر شدند و این جمع ساده، به گروهی تبدیل شد که حالا اسم و هویت خودش را دارد.

ریشه‌ای قوی در مسجد

خودشان می‌گویند اسم «دختران طوبی» اتفاقی انتخاب نشده است. با کمک مربی‌های پایگاه، بعد از کلی جست‌وجو و هم‌فکری به این نام رسیده‌اند. یکی از بچه‌ها توضیح می‌دهد: طوبی، بزرگی در بهشت است؛ شاخه‌های پر بارش به خانه همه مؤمن‌های می‌رسد و خیرش به همه عالم. ما هم خواستیم در این پایگاه ریشه داشته باشیم، رشد کنیم و ببالیم و هر جاکه رفتیم، ریشه‌مان را فراموش نکنیم. شروع مسیرشان با شرکت در کلاس‌های متنوع تابستانه بود. اما کم‌کم دایره این جمع گسترده‌تر شد. دورهمی‌ها شکل گرفت، اعتکاف‌های مسجدی به برنامه‌ها اضافه شد و همین لحظه‌های مشترک



بود که آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کرد؛ لحظه‌هایی که کمک کرد همدیگر را بهتر بشناسند و به قول خودشان، یک جمع دخترانه و دوستانه واقعی بسازند. با این حال اعتکاف‌های چندروزه‌شان خشک و رسمی نبود. میان برنامه‌های معنوی، بازی و مسابقه هم داشتند؛ خنده، هیجان و تجربه‌هایی که باعث می‌شد مسجد برایشان فقط یک مکان عبادی نباشد، بلکه جایی باشد برای رشد، رفاقت و خاطره‌سازی.

عشق به ادبیات و تئاتر

جای خالی کلاس تئاتر، میان برنامه‌ها و کلاس‌های پایگاه بسیج مسجد چهارده معصوم (ع)، کم‌کم خودش را نشان داد. بچه‌ها این خواسته را داشتند و مربی‌های پایگاه هم به دنبال کسی بودند که هم دلسوز باشد و قابل اعتماد و هم حرفه‌ای در کار اجرا، جست‌وجو‌ها آن‌ها را به سارا جوان رساند؛ مربی تئاتر همین محله که پیش از این بارها با گروه‌های تئاتر دخترانه در مدارس کار کرده بود و تجربه اجراهای موفق و مقام‌آور را داشت.

سارا جوان متولد سال ۱۳۵۶ است و به گفته خودش، به جز هنر و ادبیات، علاقه دیگری در زندگی ندارد؛ «از دوره راهنمایی سرایش شعر را شروع کردم. در دوره دبیرستان هم رشته انسانی را انتخاب کردم و دانشم در این زمینه بیشتر شد و اشعار بیشتری سرودم. سال ۱۴۰۰ کتاب شعری به نام ترانه‌های باران به چاپ رساندم که شامل اشعار نیمایی من می‌شود.» اما به جز شعر و ادبیات، شوق صحنه هم از کودکی با او بوده است؛ «دوران مدرسه، همیشه گروه تئاتر مدرسه را من دور هم جمع می‌کردم؛ کارگردانی و نویسندگی نمایش‌ها هم با خودم بود.» سارا دوره دبیرستان را در مدرسه فاطمیه شهرک شهید رجایی گذراند. دورانی که به قول خودش، بذر علاقه به اجرا در دلش کاشته شد؛ «علاقه‌ام به صحنه و کارگردانی باعث شده بود که هیچ مانعی متوقفم نکند. دختران هم سن و سال من محدودیت‌های زیادی داشتند. من که در شاخه هنر و تئاتر فعالیت می‌کردم، این محدودیت‌ها را بیشتر لمس می‌کردم.»

دوستی‌هایی که روی صحنه شکل گرفت

الهام کرم‌پور، متولد ۱۳۸۹

من جزو اولین اعضای گروه طوبی هستم و حالا بهترین دوستانم همین بچه‌های گروه‌اند. هیچ وقت یاد نمی‌روم پارسل چطور با یک تولد غافلگیرم کردند. تشکیل گروه تئاتر، یکی از بهترین تجربه‌های مشترک ماست. من هم اول دستیار خانم جوان بودم. اما در اجرای «کلیددار کعبه»، وقتی بازیگر اصلی نیامد، جایگزین شدم. موفقیت‌هایی را که تا به حال کسب کرده‌ایم، مدیون خانم جوان و مسئولان پایگاه هستیم. همه هزینه‌های تجهیزات، لباس‌ها و اجراهای ما از طریق پایگاه تأمین می‌شود.

اعتماد به نفسم بیشتر شد

یگانه زهرا منظمی، متولد ۱۳۹۰

از کلاس دوم دبستان عضو گروه دختران طوبی شدم. کم‌کم با بچه‌ها دوست‌های صمیمی شدم، اما آن اوایل حتی در صحبت با بقیه هم مشکل داشتم و اعتماد به نفس حرف زدن نداشتم. وقتی گروه تئاتر شکل گرفت، اصلاً فکرش را نمی‌کردم روزی روی صحنه بروم. اول دستیار خانم جوان بودم. اما با اصرار ایشان وارد اجرا شدم و نقش گرفتم. این تجربه تأثیر فوق‌العاده‌ای روی اعتماد به نفسم گذاشت؛ حتی رابطه‌ام با بچه‌ها خیلی بهتر شد.

همکاری مسجد با ما

زهرا فدایی، متولد ۱۳۹۰

از کودکی پایم به این مسجد باز شد و در کلاس‌ها شرکت می‌کردم. کم‌کم با بچه‌ها دوست شدم و گروه‌مان شکل گرفت و با تشکیل گروه تئاتر صمیمیت‌مان بیشتر هم شد. همه تمرین‌های ما در پایگاه بسیج بانوان این مسجد انجام می‌شود و از لحاظ فضای تمرین مشکلی نداریم. برخلاف خیلی از اعضای هیئت امناء و اهالی مساجد دیگر، اعضای این مسجد همه با ما همکاری می‌کنند و خوشحال‌اند که مسجد فضای تمرین ما شده است.

جدی شدن تئاتر در

نفیسه امیری، متولد ۱۳۹۰

من هم اوایل اعتماد به نفس کنار بچه‌ها و صمیمی شدن با بقیه روی صحنه، بیشتر باعث شد خودم را باور کنم. «حکم لازم» را از همه بیشتر در آن، نقش یک ورزشکار را بازی ارتباط گرفتم. هدفم این است بدهم و تئاتر را جدی‌تر دنبال